

بحث‌هایی درباره مسأله نوکیسگی
و تضاد آن با توانمندسازی پایدار جامعه ما

فرودستان را در یابید

همراه با مطالبی از: مهدی تقوی،
کامبیز یوزوی و بهیمان حاج محمود عطار

نوکیسه‌ها غرامت عقب‌ماندگی دستمزد کارگران را بپوشانند
فرض کنید فداکار شده‌اید

دیگر یاد کرده‌اند و بالا آمده‌اند. تأکید می‌شود این ۳ گروه با شفافیت و درجه وضوح بیشتری روست می‌شوند اما این به تولیدکننده‌ها هم می‌گوسم کارگر به خاطر آن است که در سال‌های گذشته، مصیبت‌های مشترکی را با یکدیگر تجربه کرده‌اند این دو گروه (کارگران و کارفرمایان صنعتی) در چندسال قبل به دلیل آن مالی جابجایی توت‌اندوزی دستمزد به‌مدار مالی فراخ باشد با هم زمین خورده‌اند؛ زمان دیده‌اند، به‌تفصیل خلق ارزش افزوده را از دست داده‌اند و توان شکل گرفتن طبقه جدیدی از مصرف - ثروت نشده‌اند. استعدادهای برای کسب ثروت داشته‌اند، نه ایده‌های برای خلق سوسر سرمایه مولد، بلکه به نظر می‌رسد زندگی به کاسون توزیع ثروت‌های خلق‌الساعه از یک سو و داشتن توان بالا برای سوداگری و کسب سود از بازارهای حاشیه‌ای (به دلیل به‌بهره‌بخشی شاخص‌های مولد اقتصادی) از سوی دیگر باعث شده‌است که آنها تبدیل به بانک‌های کوچکی شوند که در خیابان‌های شهر حرکت می‌کنند. آتش تندواصر آنها برای تصویرسازی‌های مصرف و چشم‌اندازهای لوکس (تا تا - اسلیمیش نشانی از آن زندگی نداشتند) گویای رشد فرهنگ نوکیسگی است. صاحبان قدیمی سرمایه و تولیدکنندگان صاحب ثروت نیز از تعامل به مصرف این گروه تعجب می‌کنند و احیرت در گوشه و کنار نشست‌های اقتصادی دنبال پاسخی برای این پرسش هستند که این ترونمنان کیستند و از کجا آمده‌اند؟ به نظر شما چگونه می‌شود در عرض چندسال طبقه‌های شکل بگیرد که توش هیچ نسبتی با تولیدگرایی، پویایی آینده اندیشه‌ها و کارگرهای ثابتی در آمده‌ای خادانگی و - نندارد. توجه کنید که در این سال‌ها فعالیت‌های مولد به‌ترین روزهای خود را تجربه کرده است.



علی دهقان
مدیران سردبیر

یک اتفاق تکراری برای اقتصاد ایران تعیین حداقل دستمزد کارگران در پایان سال است. برای همین هر سال اهالی اقتصادی می‌دانند، زمستان که از راه می‌رسد سناریوی دستمزد کارگران نیز کلد می‌خورد و هر چه بیشتر به پایان سال نزدیک می‌شود، ماجرای سزد کارگران با سروس و صدا و هیاهوی بیشتر خودش را به محافل اقتصادی تحمیل می‌کند. می‌بوسم تخمیل‌ها چون شاید در مقابل هیچ بوم اقتصادی به اندازه تعیین دستمزد، دوتی‌ها کارفرمایان و حتی نمایندگان کارگری چنین کلافه نمی‌شوند و به‌گونه‌ای رفتار نمی‌کنند که انگاری می‌خواهند حجم بزرگی از مزاحمت یک نزاع اقتصادی را هر چه زودتر از سر بیاورند و با خیالی آسوده در نلزمستان آینه‌بندیشند.

تا به اینجا کار همه ما که هم و پیش از اقتصاد می‌دانیم یا دستی بر شانه اقتصاد داریم، در بطن جریان تعیین حداقل دستمزد، استناد می‌دهیم و می‌دانیم که زمستان، روزگار سرد کارگران است که می‌نشینند و به عاقبت خوب دیدند می‌کنند این متن می‌خواهد پیشنهادی ارائه دهد برای آسوده شده حداقل سزد کارگران پیشنهادی که می‌گوید، نوکیسه‌ها، سودگران و اسرمایه‌داران چندسال گذشته، باید سهم کارگران را از تعامل غیرمولد خود در اقتصاد برداشت کنند. منظور از سودگران و سرمایه‌داران مالی افرادی هستند که با تعلق اقتصاد ایران به زبان مافی سرمایه بیرون کشیدند، این گروه می‌توانند حتی آنها هم باشند که در اوج روشکستگی تولید در سال‌های ۹۰ و ۹۱ فرست را در اقتصاد زد و بند اقتصاد ایران غنیمت شمرند و به‌جای آن که یار تولید باشند، سزد سودگران شدند و بازار دلالی، سودهای کلان به‌جیب زدند، اما چگونه چرا اتفاقات بند آفرین مطلبی بخواهاند.

در آن‌قدری بی‌چونگی از سر اقتصاد ایران بالا رفته است که دیگر جایی برای توارلهای رسمی و سخن گفتن‌های شیرین با جمله‌های بی‌در حد نیست. باید به گونه‌ای سزد و رک سخن گفت که پیام در فرگشت در تطبیق اقتصاد به سهولت انتقال یابد تا شاید در شرایط سخت امروز راهبردها و گزینه‌های قابل اجرای بیشتری در اختیار تصمیم‌گیران و تصمیم‌سازان اقتصاد قرار بگیرد. این سادوسه می‌آید و بی‌آرش سخن گفتن می‌تواند اوضاع کارگران را نیز در برگیرد. البته این گمان به‌شکست با توجه به‌شکست که دیگر یک گروه با یک طبقه خاصی که در دین اساز و عوامل تولید قرار می‌گیرند کارگر نیستند. تاد بی‌وزیب حساب تعاریف‌عراق، کارگران افرادی محسوب می‌شوند که قدرت دستمزد و شانه‌های آنان در تولید ارزش افزوده صنعتی نقش ایفا می‌گرداند.



توانمندسازی جامعه‌ها کدام‌سیر
می‌گذرد؟



مسعود رفیعی طالقانی
مدیر گروه طرح نو
Masrafi@gmail.com

کاش می‌شد تفکیک جامعه به فرودستان و فرادستان و این‌گونه دید چرا که به نامت بر شاخ همین تفکیک گشته و پیش‌رفته است. سوزستن درین متن تاریخت، شویخته‌ها، زمستان که دل و در درون همین روایت است. جوامع امروزی هم جایی جدا از این روایت ندارند. روایتی که به چاره و حیثیت، از یکی فرادست می‌سازد و به ناچاری و ناداری از دیگری، فرادست می‌ترشد. جوامع امروزی را هم نمی‌توان از تاریخ باز یخت جدا کرد پس نمی‌توان آن‌ها را فرادستی و فرادستی سخن گفت. بگذارد با یک مثال ساده این دور از هم باز شناسیم: فرادست کسی است که تاریخ را به‌سود خود می‌خرد، به تغییرش بر می‌آید، بگفته حرماتی، بی‌حرماتی است و سهم بسیاری دارد از هر آنچه آدمی می‌تواند داشته باشد و اما فرادست، فرادست کسی است که تاریخ را به سود خود دیگری می‌بازد. توان تغییرش را ندارد. زندگی اش سراسر حرمات است و سهمی ندارد از هر آنچه آدمی باید داشته باشد. حتی تاگزیر از آن است که حق حیات را هم گدایی کند.

در دنیای امروزی گروه دیگر غارت و چابول به آن شکل در یوزنیش وجود ندارد اما به‌طور مستمر در اشکالی نوین باز تولید شده است. این یک قاعده است که هنوز هم یک همبرگر می‌تواند خود تعیین کند که چه کسی قادر است او را بخورد. اسنشی را گذاشته‌اند اقتصاد بازار آزادا تیروسمین‌های فراموشی هم دارد و چندپاه عمده بی‌المللی که بی‌وقفه خون فرادست‌ها را در شیشه می‌کنند و بی‌عقب‌ماندن جهان هستند. جامعه ایران هم گروه در تمام این سال‌ها کوشیده خود را از این چرخه بیرون نگاه دارد اما باز وقت و بی‌وقت لای چرخ دیده‌های روایت فرادستانه از تاریخ و جامعه دیگر اندک و ولیده شده است. نمونه‌ها از آن پرور و وضوح بدیده‌های نوکیسگی در ایران است که همکار با شماری از تحولات عمده سیاسی - اجتماعی در اقتصاد کشور و به‌ویژه بی‌وسه و چاه‌جایی طبقاتی شدیدی را در کشور ایجاد کرده است. نوکیسه‌ها فرادستان جدید تاریخ ما هستند و خاشاک‌نشین‌ها، کارها و کارمندان دون پایه و اقتدار که در آمد جامعه، فرودستان نیز تاریخ ما این قشر ناوی، همان‌ها هستند که هیچ سهمی از قدرت - همه ابعاد آن - ندارند. در لایه‌های نظری اما تصمیم‌سازان ایرانی سال‌هاست که در فراموشی فرودستان بوده‌اند و محاط طر ناوهر و البته نداشتند با کوهی با کوهی طبقاتی ایران با تشریح و تبیین مسأله نوکیسگی با شاکت‌مانی فرادستان و فرودستان جامعه پر داز، به‌یادآور و زود آنها تلاشی است برای یادآوری یک نکته: نمی‌شود گمانی فر چندی بیابند و هر آنچه می‌خواهند در حوزه فرادستی انجام داد و همه توانمندی‌های جامعه را بفرستند و نندو کسی هم به آنان خردای نگرفته با اعتراضی نکند.

مسئله توانمندسازی اجتماعی چندان در چندین شکاف میان فرادستان و فرودستان جدید جامعه ایرانی گرفتار آمده که حصول آن مستلزم سال‌ها تلاش بی‌وقفه ملی است. از این رو باید تصمیم‌گیران و تصمیم‌سازان کشور به‌گونه‌ای راهبردی دست به تبیین دوسر به‌نامه‌های توسعه و توانمندسازی پایدار جامعه ایرانی بزنند که این اسر، خود نیازمند تفکیک بخش‌های مختلف این سیستم است.

در بحث‌های امروز به چند جنبه از الزامات عملی مسأله توانمندسازی اجتماعی ایران پرداخته‌ام که به تفکیک در حوزه کارگری و تروم غرامت‌خواهی کارگران فرودست از طبقه نوظهور نوکیسه در ایران، در حوزه رسانه و ضرورت آزادی و قدرت عمل رسانه‌های جمعی در فرهنگ‌سازی و نیز در حوزه حقوق شهروندی و عدالت حقوقی مطرح شده‌اند.